

صحيفة الحسين عليه السلام

[209] وشر فاسقان جن وانس را از من دفع کن. آنگاه آن حضرت در حالیکه چهره اش بسوی آسمان بود واز چشمانشان همانند دو مشک آب می ریخت، به صدای بلند گفت: ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، وای سریعترین حسابرسان، وای مهر بانترین مهربانان، بر محمد و خاندانش آقایان بامیمنت درود فرست، و خدایا از تو می خواهم حاجتی را که اگر عطا کنی آنچه منع نمائی به من زیان نمی رساند، و اگر محروم داری آنچه بدهی به من سودی نمی رساند، از تو می خواهم که مرا از آتش آزاد سازی، معبودی جز تو نیست، یگانه ای و شریکی نداری، فرمانروائی از آن توست و ستایش تو را سزااست، و تو بر هر کار قادری، ای پروردگار ای پروردگار. روایت شده که آن حضرت بعد از این دعا مکررا می فرمود: ای پروردگار ای پروردگار، و کسانی که در گرداگرد ایشان بوده و شاهد خواندن ایشان بودند، از دعا کردن به خودشان باز مانده و دعای ایشان را گوش کرده و آمین می گفتند، و به همین اکتفا کرده بودند، آنگاه صداهایشان به گریستن با ایشان بلند شد و خورشید غروب کرد، و مردم به همراه آن حضرت از منی کوچ کردند.
